

وضع حقوقی ربای معاملی در فقه امامیه و حقوق ایران

احمدعلی قانع*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۰۴

سجاد امینی هرندی**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۸

چکیده

ربای معاملی به عنوان یکی از اقسام ربا، معاوضه مثلین با زیادی یکی از آنها، به شرط مکیل یا موزون بودن است که حرمت آن در دین اسلام مسلم و مورد پذیرش فقهای اسلام است. در این مقاله، هدف بررسی و تبیین حکم وضعی ربای معاملی و اعتبار این گونه معاملات به لحاظ صحت یا بطلان آن، در فقه امامیه و حقوق ایران می باشد که در مورد حکم وضعی این نوع معاملات، بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، ولی وفق نظر مشهور باید بیان نمود که ربای معاملی در تمام عقود معاوضی اعم از عقد بیع، صلح و دیگر عقود معاوضی جریان دارد و مخصوص عقد بیع نیست و این امر در حقوق ایران نیز به تبع از نظر مشهور فقهای امامیه، در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ایران (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنین در رابطه با صحت یا بطلان ربای معاملی نیز، بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد و نظر اقوی در این زمینه بر بطلان اصل معامله و مقدار زیادت حاصله در آن می باشد.

واژگان کلیدی

ربای معاملی، صحت، بطلان، فقه امامیه، حقوق ایران.

4ghane@gmail.com

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

** فارغ التحصیل کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع) - نویسنده مسئول

Sajadahisu@gmail.com

مقدمه

معاملات و قراردادها در روابط اجتماعی، بخش ضروری و اجتناب‌ناپذیر زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم، ربای معاملی یکی از اقسام معاملات است که در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از معاملات نامشروع ذکر شده است و برای انجام این معامله، در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ توسط قانون‌گذار، مجازات در نظر گرفته شده است. ولی علی‌رغم نامشروع شناخته شدن این نوع معامله و جرم انگاری آن، از یک‌سو در قوانین ایران، قانون‌گذار مقررهای در مورد چگونگی رفتار با چنین معامله‌ای، به‌صراحت وضع ننموده است؛ و بین حقوقدانان نیز کسی به‌صورت مستقل به این مسئله نپرداخته است و از سوی دیگر نظر به اختلافی بودن این مسئله در نظر فقهای شیعه، با پاسخگویی به این دو سؤال اصلی مقاله که اولاً در ربای معاملی، طبق نظر فقها و حقوقدانان تنها مقدار مازاد باطل است یا اصل معامله به لحاظ فقهی و حقوقی باطل می‌باشد؟ و ثانیاً آیا این قسم از ربا تنها در عقد بیع می‌باشد یا اینکه در عقود معاوضی دیگر نیز جاری است؟ سعی شده وضع حقوقی ربای معاملی مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور جهت تبیین هدف اصلی مقاله، ضمن تعریفی از ربای معاملی، حکم وضعی ربای معاملی و اعتبار اینگونه معاملات در فقه امامیه و حقوق ایران مورد بحث قرار گرفته است.

۱. ربای معاملی

ربای معاملی یکی از انواع ربا می‌باشد که در فقه شیعه تعاریف زیادی برای آن بیان شده است که با استفاده از مجموع این تعاریف، می‌توان به این تعریف اشاره نمود: «ربای معاملی عبارت است از هرگونه زیادی در خرید و فروش و یا هر عقد دیگری که عوض و معوض آن هم‌جنس و از نوع مکیل و موزون باشند» (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۵۳۷؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۷). البته برخی از فقها معیار دیگری را در مسئله

ربوی بودن معامله بیان می‌دارند و آن قابلیت اندازه‌گیری و تقدیر بودن است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۷۸-۷۹) که این معیار دایره‌های گسترده‌تر از فقط مکیل و موزون بودن داشته و اشیای محدودی را که مقلد بوده، مثل اسکناس را نیز در برمی‌گیرد. همچنین جهت تبیین ربای معاملی ذکر این نکته ضروری است که طبق نظر مشهور فقهای امامیه، سه شرط مکیل یا موزون بودن عوضین، وحدت جنس دو کالای مورد معامله و دریافت زیادی توسط یکی از طرفین معامله، از شروط لازم جهت تحقق ربای معاملی شناخته شده است (حرعاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۲، ص ۴۳۴).

۲. حکم وضعی ربای معاملی در فقه شیعه

جهت روشن‌گری در مورد حکم وضعی ربای معاملی به‌عنوان یکی از اقسام ربا، پاسخ به دو پرسش که از سؤالات اصلی مقاله حاضر هم می‌باشد ضروری است. به همین خاطر در ذیل با پاسخگویی به این دو سؤال اصلی پرداخته می‌شود که اولاً ربای معاملی در کدام عقود جاری است؟ و ثانیاً نظر فقهای شیعه در مورد صحت یا بطلان ربای معاملی چیست؟

۲-۱. عمومیت ربای معاملی یا اختصاص آن به عقد بیع

در مورد اینکه ربای معاملی فقط در عقد بیع جاری است یا دیگر عقود معاوضه‌ای را نیز در برمی‌گیرد، بین فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد که می‌توان با توجه به این اختلاف نظرات، فقها را به سه دسته کلی زیر در این باب تقسیم نمود.

دسته اول: قائلان به عمومیت ربای معاملی

از قائلان به تحقق ربای معاملی در تمامی معاوضات که نظر مشهور فقه شیعه را تشکیل می‌دهد، می‌توان به نظر مرحوم شیخ طوسی، سید مرتضی، محقق ثانی، شهید اول، شهید ثانی، سید طباطبایی یزدی و امام خمینی (ره) به اشاره نمود (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۸؛ یزدی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۴؛ امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۹۳).

دسته دوم: قائلان به اختصاص ربای معاملی

برخی فقهای معاصر همانند محقق حلی، ابن ادریس، محقق اول و آیت الله خوانساری بر آن هستند که ربای معاملی تنها در عقد بیع تحقق می‌یابد؛ و از بین فقهای اخیر نیز نظر مرحوم سبزواری بر خلاف مشهور، تحقق ربای معاملی تنها در عقد بیع می‌باشد (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۴۰؛ سبزواری، ۱۴۰۲، ج ۱۷، ص ۳۳۳).

دسته سوم: قائلان به تفصیل

در بین فقهای عده‌ای قائل به تفصیل شده‌اند و بیان نموده‌اند: ربا فقط اختصاص به معاوضات بین دو عین دارد و فرقی نمی‌کند که آن معاوضه بیع باشد یا صلح. لذا در صورتی که معاوضه بین دو عین نباشد، معامله صحیح خواهد بود که از طرفداران این نظریه آیت الله حکیم، شهید صدر و آیت الله خویی می‌باشند (صدر، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۱؛ خویی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۵۲).

۲-۱-۱. دلایل موافقان عمومیت ربای معاملی

جهت روشن شدن موضوع در این مسئله، ضروری است به ادله حرمت ربا مراجعه کنیم و طبق مدلول آن‌ها، حکم مسئله را مورد بررسی قرار دهیم. لذا در میان ادله حرمت ربا که فقها به آن اشاره نموده‌اند باید به آیات و روایات در این زمینه تمسک کنیم؛ به خاطر اینکه دلیل عقلی و اجماع علمای اسلام، اگرچه هر یک به تنهایی دلالت بر حرمت دارند؛ ولی چون دلیلی لفظی نیستند، از اطلاق برخوردار نیستند. در نتیجه، در موارد شک باید به قدر متیقن از آن‌ها بسنده کرد. از این رو، در این بحث کاربرد ندارند؛ و از طرفی در صورت نبودن دلیل لفظی نوبت به اصل عملی هم می‌رسد. دلایلی که برای عمومیت ربای معاملی آورده می‌شود، با استناد به آیات و روایاتی در این زمینه است که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱-۱-۱. آیات دال بر عمومیت ربای معاملی

آیات زیادی وجود دارد که فقها برای تحریم ربا به آن استدلال نموده‌اند که اطلاق این آیات نشان از جاری بودن ربای معاملی در هر نوع عقد معاوضی می‌باشد. این آیات عبارت‌اند از:

الف. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...» (بقره: ۲۷۵)؛ خرید و فروش مثل رباست و خدا خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است.

ب. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً...» (آل عمران: ۱۳۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا را که افزودنی‌ها بر افزوده‌ها است (سودهای چند برابر) مخورید.

ج. «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۶۱)؛ و به سبب ربا گرفتنتان، درحالی که از آن باز داشته شده بودند و نیز خوردن مال‌های مردم به ناروا ... و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

د. «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ...» (روم: ۳۹)؛ و آنچه از ربا می‌دهید تا (برای شما) در مال‌های مردم بیفزاید، پس (بدانید که) نزد خدا افزون نمی‌شود.

۲-۱-۱-۲. روایات دال بر عمومیت ربای معاملی

مهم‌ترین دلیل بر توسع و فراگیری حرمت ربای معاملی، نیت تمامی عقود معاوضی روایات است. صاحب وسائل الشیعه، در این رابطه بابی تحت عنوان «باب أن الحنطه و الشعير جنس واحد في الربا لا يجوز التفاضل فيهما و يجوز التساوي» گشوده و هشت روایت در آن گزارش کرده که بسیاری از آن‌ها دلالت دارد بر اینکه در معاوضه اجناس مثلی، باید تساوی رعایت شود و تفاضل در آن‌ها موجب ربا می‌گردد؛ این روایات

اطلاق دارد و هرگونه معاوضه‌ای را غیر از بیع در بر می‌گیرد؛ ازجمله این روایت‌ها، روایت عبدالرحمن است که می‌گوید:

قلت لابی عبدالله (ع): أيجوز قفيز من حنطه بقفيزين من شعير؟ فقال «لايجوز الا مثلاً بمثل. ثم قال: أن الشعير من الحنطه» (حر عاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۲، ص ۴۳۸)؛ از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا صحیح است یک کیل گندم به دو کیل جو معاوضه شود؟ امام (ع) فرمود: جایز نیست، مگر مساوی به مساوی. سپس فرمود: همانا جو از جنس گندم است.

روایت دلالت دارد که مساوات در معاوضه اجناس همجنس باید مراعات شود و زیادی در یک طرف جایز نیست. روایت در این مدلول اطلاق دارد و هرگونه معاوضه‌ای را شامل می‌شود و اختصاص به عقد بیع نیز ندارد.

روایت دیگری که می‌توان جهت اثبات مدعا به آن تمسک کرد، صحیح «ابی بصیر» است.

عن ابی عبدالله (ع) قال: «الحنطه و الشعير رأساً برأس لا یزاد واحد منهما علی الآخره» (حر عاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۲، ص ۴۳۸)؛ امام صادق (ع) فرموده است: (در معاوضه) گندم و جو، رأس (کنایه از وزنی خاص) در مقابل رأس باید باشد و یکی از آن‌ها نباید از دیگری زیادتر و فزون‌تر باشد. این روایت نیز در این مدلول اطلاق دارد و اختصاص به عقد بیع نیز ندارد و هر نوع معاوضه‌ای را شامل می‌شود. سند روایت هم به تعبیر صاحب عروه صحیح است (طباطبایی یزدی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۹).

در پایان این بحث، جهت تأکید مطلب، شایسته است عبارتی از صاحب عروه آورده شود. ایشان در مقام توسعه و تعمیم حکم ربای معاملی می‌گوید:

«سزاوار نیست در جریان ربای معاملی در غیر عقد بیع؛ همانند صلح و مبادله و معاوضه اشکال شود به این‌که بایع و مشتری در این موارد معین نیست. مثل اینکه دو طرف بگویند: معاوضه یا مبادله کردیم به این و آن؛ زیرا صلح و مبادله و معاوضه عقدهایی

مستقل‌اند و احکام ویژه عقد بیع؛ (مانند خیار مجلس و حیوان و مانند آن دو) در آن‌ها جاری نیست؛ بنابراین، اگر بگویند: مبادله می‌کنیم این یک من گندم را به این دو من گندم، یا دو من جو صحیح نیست؛ زیرا رباست و ظاهر این است که ربای معاملی در هر معاوضه‌ای جاری است؛ همان‌گونه که صاحب شرایع می‌گوید: «ایشان در پایان می‌گویند: «قدر مسلم روایات این است که ربای معاملی در هرگونه معاوضه‌ای جاری است، ولیکن احتیاط این است که در هرگونه عقدی (هر چند غیر معاوضه‌ای) که معاوضه را در بر دارد وفا، غرامت و قسمت ربای معاملی راه دارد» (یزدی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۱۱-۱۲).

۲-۱-۲. دلایل مخالفان عمومیت ربای معاملی

در مقابل این روایات فراوان که دلالت بر تعمیم دارند، قائلان به اختصاص نیز به ادله‌ای تمسک جسته‌اند که در زیر به آن اشاره می‌کنیم.

۲-۱-۲-۱. روایت دال بر این نظر

«عن ابی جعفر (ع) قال، قال امیر المومنین (ع) و لا تبع قفیزا من حنطه بقفیزین من شعیر» امام صادق (ع) فرمود: امیر مؤمنان فرموده است که یک کیل گندم را به دو کیل از جو نفروشید (حر عاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۲، ص ۴۳۹). ممکن است گفته شود: این روایت و امثال آن، ربای معاملی را در خصوص عقد بیع، نهی کرده است. پس این روایات می‌تواند مقید اطلاق روایات قبل باشد.

۲-۲-۱-۲. دلایل دیگر دال بر این نظر

قائلان به اختصاص ربای معاملی در عقد بیع، در پاسخ به آن دسته که به عمومیت و اطلاق آیات برای تحقق ربای معاملی در کلیه معاملات تمسک کرده‌اند، بیان می‌دارند: اولاً ظاهر آیات و روایات بر حصول اباحه به وسیله توافق طرفین دلالت داشته و لذا

اگر طرفین معامله راضی باشند معامله صحیح است و اباحه حاصل می‌گردد و از طرفی محرّمات به وسیله روایات اثبات شده است که از جمله آن‌ها حرمت ربا در بیع و قرض است و دلیلی بر حرمت ربا در سایر معاملات نداریم. ثانیاً اینکه اطلاق ادله حرمت ربا به بیع انصراف دارد. ثالثاً روایاتی که دلالت بر اشتراط مماثلت در معامله اجناس ربوی دارد، در مقام بیان شرط رباست؛ نه در مقام بیان موضوع. شک در چنین موضوعی برای جلوگیری از تمسک به این اطلاقات کافی است. علاوه بر این، در بیش‌تر روایات مذکور، بقاء مقابله وجود دارد که وقتی با خالی بودن معوض از حروف جر «علی» و «عن» جمع گردد، در خصوص بیع ظهور پیدا می‌کند؛ زیرا مثلاً در صلح، بقاء بر سر مصالح به در می‌آید، لکن مصالح عنه از حرف جر خالی نیست؛ البته این اشکال فقط به روایت آسیابان وارد نیست که آن هم ضعف سندی دارد. رابعاً کسی نمی‌تواند به ملاک احکام پی ببرد، مگر این که با وحی مرتبط باشد؛ بنابراین، ادعای یقین به وجود ملاک تحریم در سایر معاملات بی‌مورد است. خامساً مقتضای اصالت صحت و اصالت برائت، اختصاص حرمت ربا به بیع و قرض است. در صورت شک در شرطیت و مانعیت، مرجع در عبادات و معاملات، برائت عقلی و نقلی است (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۴۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۵۰۲).

۲-۱-۲-۳. نقد و بررسی نظر مخالفان عمومیت ربای معاملی

در پاسخ به دلایلی که قائلان به اختصاص ربای معاملی در بیع بیان نموده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. اصل صحت به عنوان یکی از اصول عملیه و در کنار اصول اربعه می‌باشد، ولی موقعی باید سراغ اصول عملیه رفت که دلیلی لفظی، از جمله اطلاقات آیات و روایات وجود نداشته باشد؛ بنابراین تمسک به اصل صحت، در این مواقع درست به نظر نمی‌رسد.

ب. باید پرسید وجه انصرافی که بیان نمودند چه می‌باشد، به عبارتی انصراف نیاز به دلیل دارد؛ لذا اگر بگویند به خاطر غلبه وجود یا کثرت استعمال، در پاسخ باید گفت که بر فرض صحت این ادعا، در اصول ثابت شده که هیچ یک از این‌ها نمی‌تواند موجب انصراف باشد. ثانیاً اصل صغری - که استعمال در بیع و غلبه وجود باشد - مورد خدشه است.

ج. تعارضی هم بین روایات وجود ندارد؛ چون هر دو دسته روایات از نوع روایت مثبتین می‌باشند و به لحاظ اصولی ثابت شده است که مطلق و مقید و نیز عام و خاص، اگر مثبتین باشند میانشان تعارضی وجود ندارد.

د: روایاتی که ربای معاملی را در خصوص عقد بیع نهی می‌کنند از نظر سند ضعیف‌اند. هـ بر فرض تعارض روایات، روایات مطلق موافق با عمومات کتاب است و موافقت با کتاب نیز از مرجحات می‌باشد (نیشابوری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴-۱۱۵).

به نظر می‌رسد، با توجه به مطالب فوق، خصوصاً آیات قرآن، بویژه عبارت «احل الله البیع و حرّم الربا» و همچنین روایاتی که در باب ربا به صورت مطلق بیان شده و در آن‌ها از بیع، اسمی به میان نیامده و نیز مفاد ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که هر نوع توافق بین دو یا چند نفر را تحت هر قراردادی، اعم از بیع، قرض، صلح و امثال آن، با وجود شرایط دیگر موجب تحقق ربا دانسته، ربای معاملی عمومیت دارد و اختصاص به عقد بیع ندارد.

۲-۲. صحت یا بطلان ربای معاملی

با تحقیق در کتب فقها پیرامون این بحث، متوجه می‌شویم که هیچ کدام از فقها این بحث را به طور جدا و مستقل در کتب فقهی خویش، مطرح ننموده‌اند و آنچه موجود بین اقوال فقها هست، اینکه پاره‌ای از فقها در ضمن بیان مطالب دیگر به این بحث نیز اشاره نموده‌اند و نظر برخی از فقها نیز با توجه به مبانی آن‌ها قابل استنباط است.

خلاصه آنچه از اقوال فقها در این زمینه وجود دارد، دال بر اختلاف نظر آن‌ها در این موضوع است و منشأ اصلی این اختلاف نیز در پذیرش شرط زیادت به‌عنوان شرط باطل یا مبطل می‌باشد و همچنین اینکه برخی قائل به بطلان معامله، به خاطر دلیل خاص می‌باشند. مثلاً اگر فقیهی بگوید شرط باطل موجب بطلان معامله می‌شود، به طور طبیعی باید معامله ربوی را فاسد و باطل بداند، اما اگر کسی شرط باطل را مبطل نداند، نمی‌توان دریافت که معامله ربوی را صحیح می‌داند؛ زیرا همان‌طور که صاحب جواهر اشاره می‌کند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۳۳۵)، ممکن است بطلان معامله ربوی دلیل خاص داشته باشد؛ و مثلاً اگر کسی عقیده بر آن داشت که باید مال ربوی به صاحب آن مال برگردانده شود، معلوم است که آن معامله را باطل می‌داند، اما اگر اعتقاد داشت که فقط مقدار زیادی را باید به او برگرداند، معلوم است که اصل معامله را باطل نمی‌داند. به‌طور کلی در این بحث فقها را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم نمود.

۲-۲-۱. قائلان به بطلان اصل معامله و زیادت حاصله

علامه در قواعد، تذکره، مختلف و ارشاد، فخرالدین در شرح ارشاد، شهید اول در درس، محقق ثانی در جامع المقاصد و تعلیق الارشاد، شهید ثانی در مسالک و مقدس اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان، عقیده دارند که اصل معامله و زیادت حاصله، هر دو باطل هستند. در بین متأخرین نیز صاحب جواهر، بجنوردی، خوانساری، صاحب عروه این نظر را پذیرفته‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱-۲۱۲).

۲-۲-۲. قائلان به صحت اصل معامله و بطلان مقدار زیادت

از بین فقها شیخ طوسی در مبسوط، ابن سعید در جامع الشرائع و محقق در کشف الرموز، نظر بر این دارند که بیع ربوی صحیح است، لکن شرط باطل است. همچنین از ابی علی اسکافی و قاضی در مهذب چنین قولی نقل شده است. از بین فقها متأخر نیز

می‌توان به نظر مرحوم سبزواری اشاره کرد که در مذهب الاحکام قول به صحت معامله ربوی را تقویت نموده‌اند (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۳).

۲-۲-۳. قائلان به تفصیل

برخی از فقها در این مورد بیان می‌کنند؛ در صورتی که زیادت حاصله، شرط مستقلاً در معامله پیش بینی شود، فقط شرط باطل است، ولی اگر این زیادت جزء معامله باشد، اصل معامله نیز باطل است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۵، ص ۳۳۶).

۲-۲-۴. منشأ اختلاف نظرها

معمولاً صحت یا بطلان معامله ربوی، مبتنی بر پاسخ این پرسش‌ها می‌باشد که اولاً آیا ربای مورد نهی شارع، اصل معامله‌ای است که مشتمل بر زیادی است یا فقط به خود زیادی ربا گفته می‌شود؟ و در صورت اول، آیا معامله ربوی اصلاً باطل است؛ یا از جهت این که مقتضای تعلق نهی به ذات معامله، بطلان آن است؛ و یا از جهت این که مستفاد از روایات، حرمت اکل رب است، بنابراین استفاده از کل ثمن و مثن اکل ربا محسوب می‌شود و وقتی گفته شود خریدار در مثن و فروشنده در ثمن تصرف نکند، به معنای فساد معامله است، هر چند بگوییم که نهی از معاملات دلالت بر فساد ندارد؟ در صورت دوم که بگوییم ربا به خود زیادی حاصله در معامله دو کالا گفته شود و همان هم متعلق نهی قرار گیرد، باید بین این که زیادی جزو ثمن و مثن محسوب شود و یا اینکه شرط در معامله باشد، قائل به تفصیل شد؛ در وجه اول، اصل معامله باطل و فاسد است؛ زیرا زیادی از چیزی که در مقابل عوض یا معوض قرار می‌گیرد، جدا و متمایز نیست، تا این که معامله نسبت به زیادی باطل و نسبت به مقابل عوض صحیح باشد؛ بدین صورت که معامله از قبیل خریدن گوسفند و خوک در یک عقد باشد، در نتیجه نسبت به مبیع حلال، صحیح و نسبت به حرام، فاسد باشد، بلکه در اینجا هر

جزئی از عوض در مقابل دو جزء از معوض قرار می‌گیرد. بنابراین، کل معامله باطل است.

در وجه دوم - که زیادی شرط در معامله است - مبتنی بر این است که شرط فاسد، مفسد هم باشد؛ البته صاحب جواهر، صاحب عروه و صاحب جامع المدارک فرموده‌اند: با فرض این‌که شرط فاسد، مفسد معامله هم نباشد، ممکن است بگوییم معامله فاسد است، زیرا - به تعبیر صاحب جواهر - نص و فتوا ظهور در این دارد که هرگاه ربا در معامله‌ای داخل شود، آن را فاسد می‌نماید (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۳۴۴)، یا - به تعبیر مرحوم خوانساری - چنین معامله‌ای مقید به مماثلت شده است و با وجود این شرط، مماثلت در این معامله منتفی می‌شود و معامله هم منحل به دو قسمت نمی‌شود، تا نسبت به مثل با مثل، صحیح و نسبت به مقدار زیادی، باطل باشد. البته خود ایشان از این استدلال جواب داده‌اند.

۲-۲-۵. دلایل قائلان به بطلان اصل معامله و زیادت حاصله

از جمله دلایلی که قائلان به بطلان اصل معامله و زیادت حاصله بیان می‌کنند، می‌توان به بخشی از استدلالات مرحوم بجنوردی که عیناً و یا به نحوی، در جواهرالکلام آمده است، به شرح زیر اشاره نمود:

۱. ظاهر قول خداوند: ظاهر آیات قرآن، من جمله «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره:

۲۷۵)، این است که معاملات در کالاهای همجنس را به دو قسم کرده است:

الف. معاملات حلال و صحیح، که یک طرف بیش‌تر از طرف دیگر نباشد.

ب. معاملات حرام و باطل یا معاملاتی که یک طرف از حیث جزء یا شرط، نسبت به طرف دیگر بیشتر باشد. بدیهی است که معامله وقتی فاسد شد، هیچ کدام از عوض و معوض به دیگری منتقل نمی‌شود.

۲. عقد تابع قصد است، یعنی فروشنده یا مشتری مثل را در مقابل مثلین می‌پردازد و اگر چنین چیزی برایش حاصل نشود، عقد باطل است، زیرا صحت عقد و انتقال مثل به او غیر مقصود است و آنچه قصد کرده‌اند، واقع نشده است.
۳. ظاهر اخبار، بطلان و فساد اصل معامله ربوی است، نه این‌که معامله صحیح باشد و فقط مقدار زاید منتقل نشود (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۵۰-۱۵۱).

۲-۲-۶. دلایل قائلان به صحت معامله ربوی

از جمله قائلان به صحت معامله ربوی مرحوم سبزواری است، لذا دلایلی که ایشان بیان نموده‌اند، از قرار زیر است:

ایشان گفته‌اند، در این مسئله سه حالت وجود دارد:

۱. بطلان معامله، حتی نسبت به غیر زیادی؛
 ۲. صحت معامله، نسبت به غیر زیادی؛
 ۳. تفصیل بین این‌که زیاد جزء باشد یا شرط: در صورت اول، کل معامله باطل است و در صورت دوم، در زیادی باطل و در باقی صحیح است.
- آنگاه ایشان بیان می‌کند که بحث در این مسئله از چهار جهت اطلاقات، اصول عملیه، ادله خاص و فتاوی بزرگان امکان‌پذیر می‌باشد.
- الف.** مقتضای اطلاقات و عمومات کتاب و سنت، صحت اصل معامله است، چه زیادی شرط باشد یا جزء فرقی ندارد.
- ب.** مقتضای اصل عملی نیز برائت عقلی از حرمت، نسبت به غیر زیادی است.
- ج.** مواردی که برای بطلان معامله ربوی آورده شده است، عبارت‌اند از:
- ربا، آن معامله‌ای که مشتمل بر زیادی است، بنابراین نهی متوجه خود بیع است.

- زیادی در مجموع، متمایز و مشخص نیست، پس ناگزیریم که جمیع معامله را باطل بدانیم.
- زیادی اعم از این که جزء باشد یا شرط، موجب می شود که عوضین از همانند بودن خارج شوند، پس اصل بیع از جهت فقدان شرط باطل می شود.
- نهی گرچه به زیادی تعلق گرفته باشد، عرفاً به اصل معامله سرایت می کند.
- زمانی که فروشنده و شاهد معامله، در روایت ملعون خوانده شوند، اصل بیع باطل خواهد بود.

مرحوم سبزواری این دلایل را این گونه رد می کند:

در رد دلیل اول می گوید: دلیلی عقلی یا نقلی و یا اجماعی بر این که مقصود از ربا چنین باشد، نداریم و این مطلب فقط منسوب به مسالک و مجمع البیان است و اجتهاد و استنباط این دو بزرگوار است و برای دیگران نفعی ندارد.

برای رد دلیل دوم بیان می دارد: اولاً نقض می شود به جایی که مشخص و ممیز باشد و ثانیاً، مبیع در صورتی که غیر ممیز باشد، حکم مال مشترک با مال غیر، را دارد، پس بیع در مثل، صحیح است و مقدار زیادی، باطل است یا به رضایت خودشان و یا با قرعه خارج می شود.

دلیل سوم را نیز این گونه رد می کند: دلیل صحیح نیست، چون معامله نسبت به مماثل و غیر آن منحل می شود؛ مثل این که مال خودش را همراه با مال دیگری فروخته باشد.

پس بیع نسبت به مقدار مثل، صحیح و نسبت به زیادی، باطل است.

در رد دلیل چهارم هم می گوید: این هم عین مدعاست.

و خلاصه برای رد دلیل پنجم این گونه بیان می دارد: لعنت فروشنده و شاهد معامله به اعتبار زیادی است، نه به اعتبار اصل معامله.

۴. مرحوم سبزواری دلیل چهارمی که در اثبات نظر خود مبنی بر صحت اصل معاملات ربوی بیان می کند، این است که می گوید اجماعی بر هیچ یک از دو قول وجود ندارد؛ و

اگرچه در جواهر الکلام، بطلان اصل بیع به ظاهر کلمات اصحاب، انتساب شده؛ ولی چنین نسبتی با نظرهای متفاوتی که در مسئله وجود دارد، سازگار نمی‌باشد؛ علاوه بر این که این مسئله به طور جداگانه در کتاب‌های قدما مطرح نشده است و از قول خداوند متعال: «و ان تبتم فلکم رئوس اموالکم» ممکن است برای صحت اصل معامله استفاده کرد؛ بنابراین در آخر ایشان می‌گوید: جزم به بطلان اصل معامله، جداً مشکل است؛ گرچه موافق احتیاط است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳-۲۱۵).

۳. اعتبار معاملات ربوی در حقوق ایران

در این قسم از پژوهش، تلاش شده است، با توجه به سکوت قانونگذار ایران در مورد بطلان یا صحت معاملات ربوی، با تمسک به دلایلی مستفاد از عموماًت و مقررات قوانین، حکم به بی‌اعتباری اینگونه معاملات به شرح ذیل اثبات شود. همانطور که اشاره شد، قوانین ایران صراحتی در بطلان معاملات ربوی ندارد و از طرفی طبق قواعد اصولی، اصل بر صحت عقود و قراردادها می‌باشد، ولی قرائن و اماراتی وجود دارد که با تمسک به آن، می‌توان به عدم اعتبار معاملات ربوی حکم داد، به همین منظور در زیر به دلایلی که می‌توان به استناد آن، معاملات ربوی را باطل اعلام نمود، اشاره می‌شود:

۳-۱. وجود اجحاف در معامله

باید بدانیم معاملات ربوی، یکی از مصادیق معاملات اجحاف‌آمیز است، و معامله اجحاف‌آمیز نیز، به قرارداد و عقدی گفته می‌شود که وضعیت آن، برای یک یا دو طرف عقد، ظلم، تعدی، زیان و ضرر مالی به دنبال داشته باشد از طرفی برای نفوذ قرارداد، شرایط و محدودیت‌های گوناگون اخلاقی و اجتماعی پیش‌بینی شده است. اسلام با معاملات و قراردادهایی مانند معاملات ربوی مخالف است؛ زیرا معاملات و قراردادها در اسلام اصولاً تابع «عدالت معاملاتی» هستند و معامله اجحاف‌آمیزی مثل معامله ربوی چنین تعادلی را ندارد. و اصل ۴۰ قانون اساسی به عنوان ام القوانین چنین اشعار می‌دارد:

«هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» این معاملات، معاملات غیرعادلانه و خلاف وجدان است. لذا بر این اساس معاملات ربوی باطل و بلااثر می‌باشد (کیانی، ۱۳۹۴، ص ۷).

۲-۳. تلازم بین حکم تکلیفی و حکم وضعی

یکی از دلایل قابل استناد در بطلان معاملات ربوی، بحث تلازم بین حکم تکلیفی و حکم وضعی است؛ ولی اول باید این مسئله روشن بشود که آیا همیشه با حرمت یک عمل، می‌توان حکم به بطلان آن عمل داد؟ پاسخ منفی است، چون حالات مختلفی بین حکم تکلیفی و حکم وضعی وجود دارد که فقط در یک حالت می‌توان با توجه به حرمت معامله‌ای، حکم به بطلان آن نیز صادر نمود. در توضیح این مطلب باید به حالاتی که برای این دو حکم به وجود می‌آید، اشاره کنیم:

یک حالتی که بین حکم تکلیفی و وضعی وجود دارد، اینکه برخی اعمال حقوقی، اگرچه تکلیفاً حرام است، ولی وضعاً صحیح است. مثل خرید و فروش به هنگام ندا برای نماز جمعه؛ و علت این امر آن است که فساد در خود معامله نیست، بلکه فساد بر وقت است که نباید صرف خرید و فروش شود. و یا اشغال محل نماز در مسجد توسط فردی به زور که غصب حرام انجام شده، ولی ضامن نیست.

حالت دوم در رابطه بین حکم تکلیفی و وضعی این است که گاهی ممکن است حرمت تکلیفی نباشد، اما معامله وضعاً باطل باشد، مثل جاهل به موضوع که ممکن است حرمتی باشد، ولی چون عالم به موضوع نبوده، برای او حرام نباشد، اما وضعاً معامله وی باطل است. و یا شکستن شیشه همسایه توسط مجنون و کودک که ولی او ضامن است، اما حرمتی بر کار صغیر و مجنون مترتب نیست.

در نهایت، حالت سومی که در رابطه بین حکم تکلیفی و حکم وضعی قابل تصور بوده و وجود دارد و مورد بحث این مقاله می‌باشد، اینکه عملی حرام اعلام شود و علت

حرمت هم منع از انجام آن عمل باشد، در این صورت به خاطر ممنوعیت انجام عمل حقوقی، باید قائل به بطلان آن عمل حقوقی شد. که این حالت سوم، تلازم حکم تکلیفی و وضعی را نشان می‌دهد و از جمله دلایلی است که می‌توان به استناد آن، قائل به بطلان معاملات ربوی شد.

حال با توجه به این مطالب، نظر به اینکه معاملات ربوی در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، مورد منع قانون‌گذار قرار گرفته و برای مرتکب آن مجازات در نظر گرفته شده، همین امر نشان‌دهنده این است که قانون‌گذار چنین معاملاتی را نامشروع می‌داند و در نتیجه معامله نامشروع از اساس باطل و بلاثر می‌باشد.

۳-۳. پاره‌ای از مواد قانونی

علی‌رغم دو دلیل پیشین، برخی اصول و مواد قانونی در حقوق ایران به‌طور ضمنی، دلالت بر بطلان معاملات ربوی دارد که در این قسم به آن اشاره می‌کنیم. یکی از این موارد، جهت استناد به آن، در بطلان معاملات ربوی، بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی ایران می‌باشد که در آن قانون‌گذار «منع اضرار به غیر، و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام» را برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و ... ضروری دانسته؛ و با توجه به بند ۵ از اصل یاد شده، می‌بینیم قانون‌گذار بعد از لفظ ربا بیان می‌کند: «و دیگر معاملات باطل و حرام»؛ لذا استفاده از عبارت «و دیگر معاملات باطل و حرام» بلافاصله بعد از ذکر ربا، نشان‌دهنده این است که یکی از اقسام معاملات باطل در ایران همین معاملات ربوی است. در این بند قانون‌گذار اول به‌طور تمثیلی از معاملات حرام و باطل یاد کرده و سپس به‌طور کلی هر معامله باطل و حرام را بیان نموده است.

از موارد دیگر جهت اثبات بطلان معاملات ربوی، ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) و ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران می‌باشد.

قانون‌گذار در ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مقرر می‌دارد: «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.»

و همچنین قانونگذار در ماده ۹۷۵ قانون مدنی بیان می‌کند: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد، اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.»

از آنجایی که ربا یکی از مصادیق معاملات مخل نظم عمومی و مغایر با موازین شرعی، طبق اصول ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی است، بنابراین حق و تکلیفی برای طرفین معامله ایجاد نمی‌کند و بر همین اساس، باید حکم بر بطلان چنین معاملاتی صادر نمود.

علی‌ای حال، نظر به دلایل و اماراتی که مستفاد از مقررات و قواعد عمومی، مبنی بر بطلان اصل معاملات ربوی ذکر گردید، ضروری است در این مسئله که فقط مقدار زیادت در معاملات ربوی باطل است یا اصل معامله نیز باطل است، بین حقوقدانان نیز اختلاف نظر وجود دارد و علی‌رغم دلایل ذکر شده، پاره از حقوقدانان معتقدند که فقط مقدار زیادت باطل می‌باشد و می‌گویند با رد اضافه، اصل معامله دچار خدشه نمی‌شود. ولی نظر نزدیک به صواب آن است که طبق امارات ذکر شده، معاملات ربوی وفق نظر مشهور فقهای امامیه، در حقوق ایران نیز باطل و بلا اثر می‌باشد.

جمع بندی

مسئله ربا و رباخواری به عنوان یک عمل ناپسند اجتماعی و اقتصادی، همیشه به نوعی، مبتلابه جوامع بشری بوده است؛ که تحریم آن از مسائل مهم اسلامی است و بازتاب گسترده‌ای در آیات و روایات دارد. در ایران نیز مقتن در سال ۱۳۷۵ با اقتباس از فقه اسلامی، در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، در مقام جرم انگاری ربا

و معاملات ربوی برآمده و برای مرتکبان آن، مجازات در نظر گرفته شد. اما آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت ربای معاملی و حکم وضعی آن در نظر فقهای شیعه و حقوق ایران بود که نتایج حاصله از آن را می‌توان در زیر خلاصه نمود:

۱. تعریف ربای معاملی در بیان فقهای شیعه عبارت است از، هرگونه زیادی در خریدوفروش یا هر عقد دیگری که عوض یا معوض آن هم‌جنس و از نوع مکیل یا موزون باشد.

۲. شروط لازم جهت تحقق ربای معاملی، شرط مکیل یا موزون بودن دو کالا، هم‌جنس بودن دو کالا و دریافت زیادت توسط یکی از طرفین معامله، می‌باشد.

۳. از نکات مهم دیگر این مقاله این بود که ربای معاملی در تمام عقود معاوضی اعم از بیع، صلح و... قابلیت تحقق دارد و مخصوص عقد بیع نیست و این امر در حقوق ایران به تبع از نظر مشهور فقهای امامیه مورد پذیرش قرار گرفته است، به طوری که قانون‌گذار به‌صراحت در ماده ۵۹۵ قانون مجازات (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به آن اشاره نموده است.

۴. همان‌طور که بیان شد، در معاملات ربوی هم اصل معامله و هم شرط مازاد باطل است و این به خاطر نهی و تنفر پروردگار از انجام دادن نفس چنین معاملاتی می‌باشد.

۵. یکی از مباحث اصلی و نوآوری این مقاله، بررسی وضع حقوقی یا اعتبار ربای معاملی در حقوق ایران بود و همان‌طور که بیان آن گذشت، علی‌رغم حکم صریح در قوانین ایران، مبنی بر بطلان معامله ربوی، با تمسک به قرائن و اماراتی در پاره‌ای از مواد قانونی می‌توان بر بطلان و بلااثر بودن چنین معاملاتی، نظر داد.

کتابنامه

قرآن کریم

- جمعی از نویسندگان (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) (۱۳۸۱)، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت و انواع ربا و فرار از ربا، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۹۸۳م)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم.
- حسینی عاملی، محمدجواد (۱۴۰۲)، مفتاح الکرامه، بی‌نا: موسسه آل‌البتیت (ع) للطباعه و النشر.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵)، جامع المدارک، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ دوم.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۴)، منهاج الصالحین، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- سبزواری، سید عبد‌الاعلی (۱۴۰۲)، مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، نجف: مطبعه الادب.
- صادقی، عبدالله (آذر ۱۳۸۲)، «تحریم ربا در اسلام»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۲۱.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین (المحشی)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۱۳)، العروه الوثقی، قم: انتشارات داوری.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، المبسوط، تصحیح: محمدتقی الکشفی، تهران: مکتبه المرتضویه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۵۵)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی، عباس (۱۳۶۳)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: فراهانی.

- کیانی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی مفهوم و اعتبار معاملات اجحاف‌آمیز در فقه و حقوق مدنی ایران»، در مجموعه مقالات همایش عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، شماره دوم.
- مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۱۷)، القواعد، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مسئله ربا، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، کتاب البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴)، تحریر الوسيله، چاپ سوم، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیشابوری، محمد (بهار ۱۳۸۴)، «بازشناسی قلمرو ربای معاملی»، مجله تخصصی فقه و اصول، ش ۱.